

دکتر محمد علی قوامزاده

جرائم جوانان

اگر درست است که برای سلامتی انسان جلوگیری از بیماری بهتر از معالجه و مداوای بیماری است از نقطه نظر اجتماعی نیز باید قبول نمود که جلوگیری از وقوع جرم بهتر از مجازات مرتکب میباشد. اصلی که امروز در اجتماعات پیشرفته مورد قبول و عمل قرار گرفته است اتخاذ وسائل احتیاطی و جلوگیری از وقوع جرائم است خصوصاً در مواردی که مرتکبین جرائم اطفال باشند.

دو سال پس از جنگ اول جهانی فری (Feri) عالم معروف حقوق جزا اعلام نمود انگیزه اساسی نود درصد مردم که دست بارتکاب جنایت زده اند خارج از حقوق جزاست. علل مذکور را باید در حقوق مدنی قوانین اقتصادی و تشکیلات اجتماعی و تربیتی جستجو نمود.

از مطالعه پرونده های جزائی که علیه اطفال تنظیم شده چنین برمیآید که در اکثر موارد در خانه و خانواده مدرسه ابتدائی جرم قرار میگیرد. بیشتر مجرمین جوان از خانواده ای برخاسته اند که بلحاظ وقوع طلاق یا جدائی پدر و مادر و یا مرگ یکی از اقوام و یا فقر و مضیقگی اقتصادی اژهم پاشیده شده گاهی پدر و مادر کودکان خود را رها میسازند و خود بدنبال کار میروند و گاهی محیط خانواده طوری است که خواه ناخواه طفل را بولگردی معتاد مینماید. جوانانی که باین ترتیب از تربیت اولیه و محیط خانوادگی سالم محروم شده اند تحت تاثیر فقر و عوامل دیگر که ناشی از نداشتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب و مطمئن است در سراشیب جنایتکاری قدم میگذارند و برودی سقوط میکنند.

مجازات این جوانان چه میتواند باشد؟ و چگونه باید باشد؟ یک سلسله تحقیقات درباره شرایط خانوادگی و محیط اجتماعی و کوششی برای رفع نواقص و معایب آن یا محکومیت قطعی و اجرای مجازات؟ در کشورهای اروپائی و از جمله در انگلستان برای رسیدگی بجرائم جوانان یک رشته مقررات و قوانین خاصی وضع گردیده است و همینکه جوانی متهم گردید دستگاه دقیق و مجهزی شروع بکار می کند انگیزه

ارتکاب جرم را کشف مینماید و برای رفع سربع آن اقدام میکنند. زیرا با اتخاذ یک سیاست جزائی صحیح و مطالعه شده است که میتوان اطفالی را که در خطر سقوط هستند یا بتازگی سقوط کرده اند نجات داد و دوباره بساحل پرهیزکاری و زندگی شرافتمندانه بازگردانید.

جنگ اثر عجیبی در توسعه جنایت کاری جوانان دارد. در جنگ اخیر همین که سربازان آلمانی وارد فرانسه شدند یکباره تمام مغازه ها خالی شد و کابوس مخوف کمیابی و قحطی بر مردم چیره گردید. دیری نگذشت که این ناخوشی دماغی بواقعیت مبدل شد و قحطی واقعی بوقوع پیوست. آقای هانسری کیب Henri Giebb مینویسد، اطفالی را مشاهده میکردیم که با صدای بلند گریه میکردند. و مادران خود را صدا میزدند «مادر من کرسنه ام - مادران! بزدی اطفال دریافتند که قوای اشغالی نان آنها را برده است و از این رو تنفر شدیدی نسبت به سربازان بیگانه احساس نمودند. در تعقیب قحطی مناظری مانند توقیف دسته جمعی فرانسویها قتل پدر و مادر یا خواهر و برادر اطفال بدست اشغال گران و کماردن اطفال بکارهای اجباری احساسات تنفر آمیز جوانان را با خشم و کینه شدیدی توأم گرداند و آنها را علیه دشمن تحریک نمود. در این شرایط خانواده ها نیز از هم میپاشید پدری با سارت برده میشد مادری در اردو گاه کار اجباری کمارده میشد عضوی از خانواده بقتل میرسید و با خانه در اثر بیماریان خراب و از بین میرفت دنبال این جریانها احتیاجات روزانه جوانان بر آورده نمیکردید و آنها را به زهزنی و دزدی تشویق میشدند.

جنایت کاری جوانان لهستان در زمان جنگ باوج شدت و انحطاط رسید. اطفال لهستانی بیشتر علیه یهودیها تحریک شده بودند شبها کودکان ۱۲ ساله پشت دیوارها کمین میکردند و قربانیهای تیره روزی که هر کدام از مرك فرار کرده بودند بدام میانداختند.

این کودکان قربانی های خود را بتهدید تسلیم بدشمن و ادار میساختند که بولی بآنها بپردازند.

تبلیغات رادیو و روزنامه های مخفی مردم را بخرابکاری، کندی در کار و بسد کار کردن تشویق مینمود و این امور که برای مبارزه منفی بادشمنان مناسب بود کم کم عادت گردید و سائها باید بگذرد تا کودکانیکه بعلل اقتصادی و لکردی، دزدی فحشاء و گدائی را پیشه ساخته اند براه زندگی بازگردانند.

امروز جنایت کاری در جوانان یک بلای دنیائی است که اجتماع را بشدت تهدید میکند و باید برای از بین بردن آن عوامل اصلی و انگیزه های آن را شناخت و از بین برد

جامعه برای دفاع خود در مقابل جنایت احتیاج بسلاحهای دیگری غیر از آنچه که در مقابل حیوانات وحشی بکار میبرد دارد. جامعه باید قبل از کوبیدن مجرم و محکوم ساختن او کوشش نماید تا او را بشناسد شرایط محیطی که برای او فراهم آورده است درک کند و سپس از خود بپرسد تکالیفی که نسبت بآن جوان مجرم داشته است انجام داده یا خیر؟

در فرانسه نودوشش درصد دختران جوان که بتهیکاری دست زده اند از خانواده های کارگری و فقیر میباشند. در این طبقه پدر و مادر مجبور هستند کار کنند و مجالی برای تربیت کودکان خود ندارند و فقر که خود یکبار موجب محرومیت جوانان از تعلیم و تربیت شده بعداً محرک آنها در جنایات قرار میگیرد.

بطور کلی قبل از رسیدگی و قضاوت درباره جرائم کودکان باید امور و مطالب زیر را روشن گردانید:

- ۱ - سنی که مجرمین را میتوان توقیف نمود.
- ۲ - محیط اجتماعی مجرمین جوان.
- ۳ - آیا مجرم قبل از زندانی شدن بکاری مشغول بوده است؟
- ۴ - وضع خانوادگی مجرم: آیا او دارای خانواده سالم و متحد است یا خانواده او از هم پاشیده شده؟ آیا طفل بازن پدر زندگی میکرده است یا باشوهر-مادر؟ آیا مجرم یتیم بوده است؟
- ۵ - مجرم قربانی خانواده شده است یا قربانی الكل یا قربانی سل؟ آیا مجرم دچار امراض مقاربتی شده است؟
- ۶ - تاثیر فقر در زندگی او بچه درجه است؟
- ۷ - آیا مجرم جوان قبل از ارتکاب جنایت بسینما و تئاتر و مجالس رقص میرفته یا بکلی محروم بوده است؟
- ۸ - حالت روحی زنان و دختران محبوس.
- ۹ - آیا علل دیگری از قبیل نداشتن محل و مسکن راحت و نبودن مادر در کانون خانواده او را بارتکاب جرم تشویق نموده است؟ و غیره و تنها با بررسی و روشن کردن این شرایط و امور است که میتوان بعنوان مجازات دارویی تجویز نمود که علل جنایت کاری را برطرف نماید و مجرم را قادر سازد که شخصاً متنبه شده و دست از جنایت و تکرار آن بردارد.